

عزت یا ذلت

بیچاره ملتی که نمیداند عزت دارد یا ذلت

امیر فیض- حقوقدان

سعدی سخنسرای ایرانی بیتی دارد که میتواند کلید این تحریر شناخته شود؛ میگوید:

سخن برمزاج مستمع گوی اگرخواهی که دارد با تومیلی

این بیت میآموزد که مسائل اجتماعی و فلسفی و حتی اقتصادی و سیاسی وقتی میتواند موثر و مثرتر باشد که متناسب و برآمده از باورهای فرهنگی و عادات و رسوم و زبان مردم باشد والا هر قدر کوشش و تلاش شود راه بجائی نخواهد برد.

مثالی آورده شود بجاست:

فقریک پدیده شوم و مطرود جوامع است ولی کدام جامعه؟ آیا تمام ملت ها با هرکیش و آئین و دین و مذهب نسبت به فقریک نگاه و یک نوع استقبال و یا عدم مقاومت دارند؛ البته که خیر، بنابراین وقتی میخواهیم از فقر صحبت کنیم باید ببینیم که برای کدام ملت و پیروان کدام کیش و آئین درباره فقر گفتگو میکنیم البته اگر خواسته باشیم که گفتمان ما نافذ و موثر شود.

ما نمیتوانیم با هر قدر فصاحت بیان و یا نقل قول از بزرگان برای مسلمانان در مذمت از فقر سخن بگوئیم زیرا پیامبر مسلمانان فقر را فخر و بزرگی و نعمت خدا دانسته است شکستن قول محمد نسبت به فقر در مفهوم، ساقط کردن او از پیامبری و سنت است و این کار کوچکی نیست که ما در بحث فقر از یک مسلمان انتظار داریم.

واما بعد

شاهدیم که دولتین جمهوری اسلامی، بر جام و دستاوردهای آن راعزت میدانند و در حالیکه گروه دیگری نه تنها آنرا عزت نمیدانند بلکه ذلت میدانند. تفاوت عزت و ذلت آنقدر روشن است که نمیشود گفت درک و احساس ناهماهنگ آن سبب این برداشت متضاد شده است. علت ممکن است این باشد که با آنکه جامعه ایران امروز اسلامی است و همه چیز و حتی مفاهیم آنها و واژه ها بر مبنای اصول و فقه اسلامی و دانت المعارف اسلامی (شیعه) بدست میآید، معهذا گروهی در تمیز عزت از ذلت به مبنای و حقوق اسلامی و تفاسیر قرآنی توجهی ندارند و موضوع عزت را به سیاق نظریات خود در بر جام جستجو میکنند.

سمت این تحریر

این تحریر مایل است مسئله ذلت و عزت را در حقوق اسلامی و حقوق عرفی بنقد درآورد که در نهایت موقعیت برجام را بتوان در هر دو حقوق مزبور از طریق ملاحظات نصی بدست آورد.

نخست عزت در اسلام

عزت که به معنای امتیاز و موقعیت برتری و شکست ناپذیری است در اسلام پدیده ای است که خدا بهر کس که میخواهد میدهد و در این مورد شرط و قیدی بر خداوند نیست؛ در حقوق اسلامی (قرآن و سنت) عزت بیشتر همراه نفس و در عبارت عزت نفس آمده و این بدان معناست که عزت در حقوق اسلامی بیشتر و شاید هم همواره به بار معنوی عزت توجه داشته است و به همین دلیل اسلام برای نزدیکی انسان به عزتی که خدا میدهد ترتیبات و تکالیفی مقرر کرده است که تمام آن تکالیف هم جنبه معنوی و ناشی از موازین اسلامی است.

تسری عزت در اسلام متوجه دنیای تصویری پس از فوت است نه این دنیا که عزت یکی از دستاوردها و ارکان رفاه شناخته میشود. اسلام دلبستگی به دنیا و دستاوردهای آنرا نهی کرده و در آیه ۱۹ سوره حدید زندگی دنیوی لهُو لعب نامیده شده است؛ و از محمد نقل قول شده که در کتاب مجید فرزندان و ثروت در زندگانی فتنه است در آیه ۱۴۶ سوره آل عمران دینا به منزله قرارگاه موقتی معرفی میشود که محل آزمایش انسان هاست و کسانی که به دنیا علاقمند شوند (علاقمندی به دنیا لازمه عزت یافتن است) از رحمت خدا دور میگردند و گرفتار عذاب الهی میشوند و بسیاری موارد دیگر.

حاشیه: (علاقمندان به تحقیق بیشتر به رساله نیروی بازدارنده از انتشارات سنگر امرداد ۶۴ رجوع فرمایند) توضیحی درباره رساله مزبور بجاست که در فرصتی صورت خواهد گرفت (پایان)

مفهوم عزت در اسلام میرسد به آنجا که یک مسلمان معتقد و مومن، به ملاحظه عزت نفس شکست ناپذیر در مقابل ناملایمات بوده و در نهایت مقاومت و تحمل مشکلات و سختی ها ناشی از عزت نفس است که بالاخره به پیروزی معنوی مسلمان ختم میشود. اشتباه نشود مقصود از پیروزی، پیروزی اسلامی است نه رفاه و ترقی مسلمانان.

«برای برقراری اسلام و پیروزی آن در ایران حتی یک میلیون ایرانی هم کشته شود جایز است» (آیت الله مهدوی کنی)

عزت اسلامی و برجام

با مختصر آشنائی با عزت در اسلام اکنون میتوان موقعیت برجام را در حقوق اسلامی و در نهایت جمهوری اسلامی ارزیابی کرد:

اسلام در آیه ای از قرآن ایجاد تکلیف کرده که مسلمانان نمیتوانند از کفار عزت بخوانند؛ مستند این برداشت آیه ۲۸ آل عمران است که بهتر است به کل آیه رجوع شود که دستاوردهای کامل تری بدست میدهد.

آیه میگوید: >افراد با ایمان (۱) نباید به جای مومنان کافران را دوست و سرپرست (۲) خود انتخاب کنند. هرکس چنین کند هیچ رابطه ای با خدا ندارد (۳) مگر اینکه از آنها بترسند (تقیه) کنند (۴) خداوند شما را از نافرمانی خود برحذر میدارد.<

◀ کلیت حکم آیه گویای حرام بودن فعل برجام است و تشریح آن متضمن ضمانت اجرای نادیده گرفتن آن حکم است که دقیقاً در مورد برجام قابل پیاده کردن و تشخیص است و آنها عبارتند از:

(۱) شمول آیه بر افراد با ایمان رساگر اهمیت موضوع یعنی محکومیت ایجاد روابط دوستی با کفار و قبول سرپرستی آنهاست.

(۲) در تطبیق مورد، میتوان گفت که جمهوری اسلامی آمریکا (کافران) را بدوستی با خود انتخاب نکرده و علقه محبت و دوستی در برجام مشاهده نمیشود ولی بدتر از آن مشاهده میشود و آن سرپرستی و راستی آزمائی ۲۵ ساله است که جمهوری اسلامی به تمکین از آن برآمده.

ایجاد رابطه دوستی بین دوتن یا مسلمان و کافر، عملی متقابل است و نهی آن فقط از نظر تشریح قرآن ممکن است مذموم باشد ولی حالت سرپرستی و یا راستی آزمائی درحالی که روابط متقابل دوستی بین دوتن و یا آمریکا و جمهوری اسلامی نباشد مانند برجام، حالت تسلط، حکمفرمائی، آمریت، اسارت و امثالهم را دارد و بسیار، بسیار از وجود روابط دوستی که مورد نهی اسلام است خطرناکتر و زنده و غیراسلامی تر است.

(۳) اهمیت نهی مزبور برعکس آیاتی دیگر از قرآن بدون ضمانت اجرا نیست. قطع رابطه با خدا ضمانتی است که همه مجازات های اسلامی را دربردارد.

به حکم ماده مزبور همه کسانی که دست اندرکار تحصیل موافقت با برجام بوده اند از سید علی که مروج اصلی جا اندازی برجام بوده تا دیگران که برجام را عزت مسلمانان میدانند گمراهان از اسلام و بریدگان از خداوند شناخته میشوند و حاصل این مامشات با آمریکا بواسطه برجام میشود، خروج جمهوری اسلامی از اسلامیت و ورود بر ارتداد و در مجموع میتوان گفت که از همان لحظه ای که جمهوری اسلامی بنای برجام را گذاشت و تانیدیه های سید علی را گرفت رابطه جمهوری اسلامی و تمام پیروان آن با خدا قطع شده است.

(۴) ذکرواژه تقیه که در برخی از تفاسیر قرآنی نسبت به آیه مزبور آمده نمیتواند در مورد حکومت جمهوری اسلامی مقید و مستند برجام باشد زیرا.

◀ اول اینکه جمهوری اسلامی هیچگاه نه تنها اظهار ترس از آمریکا نکرده بلکه متقابلاً همواره مترصد ضربه زدن به آن کشور و اسرائیل بوده است و حتی در آخرین فصل این رجز خوانی ها آمریکا دشمن شماره یک جمهوری اسلامی معرفی و سپاه پاسداران هم آمادگی خود را برای ضربه زدن به آمریکا در تمام نقاط جهان اعلام کرده است.

◀ دوم فتوای و تفسیر روح الله خمینی از تقیه است که میگوید:

>هرگاه تقیه کننده (جمهوری اسلامی) از موقعیت ویژه ای در میان مسلمانان برخوردار است که ارتکاب فعل حرامی یا ترک واجبی از روی تقیه موجب وهن مذهب و شکستن حرمت دین گردد تقیه بر چنین فردی جایز نیست.<

در تطبیق مورد، جمهوری اسلامی با ادعای رهبری مسلمانان جهان وبا وعده های قرآنی مبنی بر حمایت خدا در پیروزی آنها بر کفار نمیتوانسته و نباید تن به اسارت برجام میداد و اکنون که داده از راه خدا منحرف است.

جمهوری اسلامی نه تنها در تسلیم به برجام رعایت اقتدارات قرآن و اسلام و احکام آنرا نکرده بلکه رعایت قانون اساسی فصل روابط سیاسی با کشورهای کفر را هم ننموده.

عزت در حقوق عرفی

عزت در باور عمومی، برتری و امتیازی است که شخص نسبت به دیگران دارد. در حقوق عرفی عزت در نتیجه برتری در ثروت، در علم، در شجاعت، در مدیریت، در مدداری و بطور کلی رهبری و فرماندهی و امثال آنها بوجود میآید که جامعه تفویض کننده آن به اشخاص مشخصی است.

از آنجا که تحریر حاضر در مدار برجام و ادعای عزت در آن است لذا بحث عزت فردی مختوم و بحث عزت ملت مورد بحث و نقد خواهد بود و در نهایت در دامنه وسیع عزت ملت ها میتوان از تامين معیشت، عدم بیکاری، درمان و بهداشت همگانی، امنیت، سطح زندگی، رفاه، احترام همسایگان و مردم جهان و امثال آنها یاد کرد.

عزت در جمهوری اسلامی

این نکته در ملاحظات این تحریر جای توجه دارد که از اهداف و وعده های شورش ۵۷ هیچیک ایجاد عزت برای مردم ایران نبود بلکه ایجاد اسلام بود و حتی اعلامات مشخصی هم هست که ایرانیان در زمان شاه رفاه و امنیت و درآمد و کار داشتند ولی اسلام نداشتند و ما (یعنی شورشیان) برای آنها اسلام آوردیم

(محمد رضا خاتمی- کیهان هوانی)

مسئله عزت ملت ایران برای اولین بار در رابطه با برجام از سوی دولت روحانی مطرح شد؛ بنابراین تحریر حاضر هم برجام را در چارچوب باورهای عمومی مردم نسبت به عزت مورد بررسی قرار خواهد داد.

◀ اصل کلی در عزت یکپارچگی و تسخیر ناپذیری است لذا هر تحمیلی بهر عنوان که باشد عزت را از موقعیت حقیقی خود خارج میسازد. وارد این بحث نمیشویم که برجام تحمیل به ملت ایران هست یا خیر ولی نمیتوانیم از کنار این حقیقت که ۲۵ سال سلطه راستی آزمائی کفار بر ملت مسلمان ایران عزت تصویری را به رذلت حقیقی تبدیل کرده است به آرامی گذشت.

◀ اساسا تحمیل، حالتی عزت شکن و ذلت ساز است هر نوع آن همین است حتی تحمیل شیرینی هم ذلت ساز است یک رفیق شفیق اگر برای مدتی میهمان شما بود احساس تحمیل و خفگی میکنید تا چه رسد که ۲۵ سال یک کشور خارجی سلطه گر که مدعی دشمنی با ایران است و متقابلا هم جمهوری اسلامی پیگیر این دشمنی است سلطه راستی آزمائی خود را تحمیل یک کشور دیگری بنماید.

ایرانی ها چون تاکنون طعم کنترل و راستی آزمائی بیگانگان را نچشیده اند نمیدانند که قید ۲۵ سال راستی آزمائی یعنی چه؟ چقدر آدم ها سطحی و نادان هستند کسانی که برای برجام و شرط ۲۵ سال راستی آزمائی آن عزت قائلند.

همین روزها در خبرها آمد که یک کانادائی بنام <ارون درابو> باتهام همکاری با داعش تحت نظر پلیس بوده و برای کنترل دائم (راستی آزمائی) پایند فلزی الکترونیکی به او وصل شده بود و بعد از آنکه متهم شرایط پلیس را قبول کرد پایند او برداشته شد و بعد هم مرتکب عملی شد که کشته شد.

مقصود این است که وقتی متهم (جمهوری اسلامی) به شرایط برجام تن داده و امضا کرده است دیگر راستی آزمائی ۲۵ ساله یعنی چه؟ چرا باید ملتی با آن فرهنگ و تاریخ در موقعیتی کمتر حتی از یک جنایتکار بی نام و نشان قرار گیرد؟

راستی آزمائی در برجام در مقام تطبیق همان پایبند فلزی است که به پای متهم از سوی پلیس بسته میشود که دائم تحت کنترل باشد آیا نام این عمل که حتی در مورد جنایتکاران هم پس از تمکین از شرایط معمول نیست عزت است؟

◀ فقدان عزت و حضور ذلت در برجام فقط متوجه راستی آزمائی ۲۵ ساله آن نیست ماهیت برجام مستقر بر ذلت است نه عزت.

جمهوری اسلامی مدعی است که <تمام تعهدات برجام را انجام داده و آمریکا به تعهدات خود عمل نکرده>. همین اعتراف جمهوری اسلامی کاشف در نبودن عزت در برجام است. عزت که به معنای امتیاز شکست ناپذیری است چگونه قابل قبول است که یکطرف برجام یعنی جمهوری اسلامی که خود را صاحب عزت برآمده از برجام میدانند این چنین مفلوک و بی عرضه و افتاده باشد که حتی نتواند برای الزام آمریکا به انجام تعهداتش به مقامی که در برجام مشخص گردیده رجوع کند و فقط نق میزند؟ آیا این روال ذلت ساز، از مراتب عزت برجام است؟

در جامعه حقوقی امروز هر ذلیل افتاده و هر مفلوک و بی نوانی میتواند برای احقاق حق خود به دادگاه رجوع میکند. این چه عزتی است که برجام آورده که جمهوری اسلامی حتی در حد یک مفلوک بی نوا هم جرات دادخواهی ندارند؟

◀ جمهوری اسلامی مدعی عزت میگوید <آمریکا روی کاغذ تحریم را بر میدارد ولی در عمل کاری نمیکند>.

مگر ممکن است دونفر بدون داشتن عزت و امتیاز و برتری بردیگری با چنین خلف وعده ای که در کار حقوقی بی سابقه است روبرو شوند؟ و یکطرف که جمهوری اسلامی است فقط حق آه کشیدن داشته باشد، البته که خیر قانون راه حق را نشان داده و تنها کسانی که در حد تمام بی عرضگی و یا ترس از طرف قرار دارند راه سکوت و نق زدن را بر میگزینند؛ آیا میتوان این فرو افتادگی و ذلت و خواری را بیای عزت نهاد؟

◀ شاید ندانید که وزیر خارجه جمهوری اسلامی که نقشی اساسی در تحمیل برجام به ملت ایران داشته در مقابل امتناع آمریکا از تعهدات برجام چه نظری دارد؛ او گفته است <تقریباً هیچ معاهده ای در دنیا پیدا نخواهد کرد که طرفها همه مفاد آنرا اجرا کرده باشند>.

یعنی اشکالی ندارد و امر معمول است که یکطرف که جمهوری اسلامی است همه تعهدات را بسرعت و فوق انتظار آمریکاییها انجام دهد و محل های ماشین آلات را با بتن پر کنند ولی آمریکا هیچ یک از تعهدات تحریمی اش را بر ندارد.

محال است که وزیر خارجه دولتی که دولتش دست اندرکار برجام بوده است چنین اظهار نظرهایی را داشته باشد معمولاً وحشت از اپوزیسیون است که مانع این شلنگ اندازی و خطاهای بزرگ در جانبداری از بیگانه میشود ولی اینکه کسانی که دست اندرکار برجام و تحمیل آن به ایرانیان بوده اند نه قباحات دارند و نه وحشت از چنین جانبداری ها این است که جمهوری اسلامی فاقد اپوزیسیون است (توضیح در این مورد بدهکاری این تحریر است).

حاشیه = اشاره به این موضوع بجاست که خودداری آمریکا از اجرای برخی از تعهداتش در برجام عملی واقع گرایانه و قابل دفاع است زیرا در حالیکه بعد از امضای برجام جمهوری اسلامی و آمریکا متقابلاً حالت جنگ بین خود را محفوظ داشته اند و طرفین مدام حالت جنگ و خصومت را زنده نگه میدارند و آخرین سخنان سخنگوی وزارت خارجه آمریکا این است <برجام به اعتبار ربطی ندارد> که در مقابل اعتراضات جمهوری اسلامی به بی اعتبار کردن برجام از سوی آمریکا عنوان شد، نشان میدهد که برجام در حالت خصومت و دشمنی بین جمهوری اسلامی و ایران به امضا رسیده است و بنابراین کلی هر دو طرف آمریکا و ایران باید در مسیر احتیاط برجام حرکت کنند (در تطبیق مورد حالت گروکشی) زیرا صحنه عمل فاقد رکن اعتماد و برعکس شامل رکن خصومت و دشمنی است و در این حالت هر طرف بصیر سعی خواهد کرد که موقعیت احتمالی خود را از دست ندهد و دست خالی و خلع سلاح نشود.

حال اگر جمهوری اسلامی به این مسئله حساس توجه نداشته و جلو جلو همه تعهدات را یکطرفه انجام داده مربوط به خودش است که ظاهراً از هول حلیم دردیگ افتاده است ولی در باطن در جهت اجرای یک توافق محرمانه بقای رژیم به قبول هر خفت و زبانی برای ملت ایران است.

اشاره بیشتر اینکه، این حق مسلم طرف قرارداد است که اگر طرف دیگر از انجام تعهداتش در موقع امتناع کرد طرف دیگر هم در انجام تعهداتش احتیاط و تامین دلیل کند. هر ننه قمری این گروکشی را بلد است نه اینکه یکطرف که آمریکا است به ادعای جمهوری اسلامی به تعهداتش عمل نکرده و نمیکند و طرف دیگر که جمهوری اسلامی است به جای کلاه سر آورده است.

معمولاً در قراردادها توازن زمانی و موضوعی برای انجام تعهدات طرفین منظور میگردد که در برجام چنین رعایتی دیده نمیشود علت این است که <نمیشود از گربه خواستار قصابی منصفانه شد>.

متأسفانه بحث حاضر به پایان نرسید.....